



۸ مارچ ۲۰۱۴



فرزانه فارانی

بنام زن که انسان زاده اوست به مناسبت روز جهانی زن



ما تا حال به انسان که مفهوم مشترک زن و مرد است، اندیشیده ایم و از کارنامه های انسان که همانا پیشرفت افکار و ذهنیت ها، پیشرفت تکنالوژی صنعت، اقتصاد و غیره سخن می زنم. آیا گاهی بدین باور داشته ایم که در پشت پرده های این سیر تکامل جامعه بشری، زن نقش برجسته تر و والاتری نسبت به آنچه تصور می کنیم، داشته است؟

زن تهادب گذار تمدن بشری است

فرهنگ ما از زنان، همان سان که چهره سیاهی ارائه می دهد، خود نیز درین زمینه، چهره بغایت سیاهی دارد. زیرا این فرهنگ ساخته و پرداخته زورمندان و روحانیون سنتی و عقب گرای جامعه و بالاخره ساخته یک نظام مرد سالار است که هر نوع ارزش گذاری به مقام زن را نادیده گرفته و از مقام والای آن چه در زندگی روزمره و چه در زمینه سهم گیری زنان در جامعه انکار کرده است.

می خواهم نگاهی مختصر و گذرای به همان آوان زندگی بشری به آن سوی تاریخ، به آن دوران که زن، زمام امور را در دست داشت، داشته باشم.

اسناد و مدارک ارائه شده زیادی از طرف انتروپولوگ ها و آنانی که با تکامل تیپ بیولوژیک انسان ها سرو کار دارند، موجود است که می خوانیم:

زنان از آوان تاریخ در حالیکه با یک دست جگرگوشه های خود را محکم نگه می داشتند با دست دیگر از خود در برابر حیوانات درنده دفاع می کردند و این کار بدون بلند شدن به روی دو پا ممکن نبود. بر اساس عقاید این دسته از انسان شناسان، زنان نخستین گروپ آدم واره ها بودند که قد شانرا راست کردند و به قوی ترین محرک تکامل مغزی بشر دست یافتند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

زنان با غلبه بر آتش، خط سرخی میان خود و دنیای حیوانیت کشیدند. از آنجایی که مردان مصروف شکار در کوه ها و دشت ها بودند، این زنان و کودکان بودند که گرداگرد آتش باقی می ماندند و تکرار این رسم بود که زن به نگهبان آتش چیزی که بعد ها مقدس هم شد، مبدل گردید.

با دسترسی به آتش، نخستین بار زن شیوه پخت و پز را پیش گرفت و بدین صورت جلو اکثر امراضی که از خام خوری به وجود می آمد، گرفته شد.

زن برای پخت و پز به ظروف نیاز داشت بنا بر آن فن کلالی را بنیاد گذاشته و کلالی را در کنار آتش و به کمک آتش، برای تمدن بشری به ارمغان آورد.

سفالگری و نگهبانی آتش باعث مسکون شدن انسان های اولیه در یک منطقه شد. از آنجا که انتقال این همه لوازم سفالگری مشکل را به وجود می آورد، اینگونه بود که نخستین خشت های تمدن بشری گذاشته شد و سیر حرکت تاریخی را سرعت بخشید.

این مسکن گزینی اولیه بود که زن با آسمان و زمین آشنایی پیدا کرد و رفته رفته به کشف زراعت نایل شد و از طرف دیگر نخستین نطفه های تمدن شهر نشینی در جهان گذاشته شد.

در جریان کشت و زراعت بود که زن به کیفیت دارویی گیاهان پی برد و به عنوان نخستین طبیب تاریخ بشری قد علم کرد، و از همین رو در جامعه و طبیعت همان دوران، زن به عنوان مادر قبیله مورد احترام و پرستش قرار گرفته به مقام بلند دیگری که پیشوایی دینی باشد، هم دست یافت.

پرستش مادر، و دادن لقب مادر به زمین، همه به مقام اولیه زن و مقام روحانیت اولین مادران ما باز می گردد. چنانچه از نخستین خدایان انسان نیز همان الهه مادر بوده است.

زن به مقام ارجمند دیگری که عبارت از آموزگاری باشد هم ارتقا یافت و به مردان و زنان طایفه خود راز و رمز را با دقت یاد داد تا از نسلی به نسل دیگری راه پیدا کند و تداوم تکامل اجتماعی متوقف نگردد.

با توجه به نکات بالا جا دارد که پرسش های متواتر اینجا مطرح گردد که پس این هایی که نقش زن را انکار می کنند، کی ها هستند؟ و از کجا حکم "بی عقل" بودن زنان را از آنسوی مرزهای تاریک مذاهب صادر کرده اند؟ و دهها مورد و قضاوت غیر عادلانه و سیاهی را که ننگی برای بشریت متمدن می باشد . . .

زنان باید بدانند که آزادی خود را نمی توانند از مجریان «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است . . . گدایی کنند . . . و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیم ناکید باید نخست آن ها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از آن ها دوری گزینید اگر مطیع نشدند آن ها را به زدن تنبیه کنید . . .» (سوره ۴. آیه ۳۴).

باید فراموش نکنیم که در چه زمانی به سر می بریم؟ شرایط کنونی با زمان حیات پیامبر اسلام بسیار متفاوت است. زمانیکه رأی دو زن به در برابر یک مرد به حساب می آمد، وقتی بود که زنان به کلی نقشی در جامعه نداشتند و سطح دانش و فهم نیز با در نظر داشت شرایط موجوده طبعی بود که به یک زن اعتماد نمی شد و بدین گونه به خود حق داده بودند تا از دو زن پرسیده شود.

و با توجه به پیشرفت و تمدن جامعه مدنی و ضرورت شرایط امروزی نمی توان با گذشته ها زندگی کرد. امروز زنان در تلاش به دست آوردن فهم و دانش بوده رفته رفته نقش خود را در جامعه برجسته ساخته اند. تا جایی که بدون شرکت فعال زنان نمی توان از روال نورمال زندگی و جامعه بشری چشم پوشید. و از طرف دیگر وقتی در این مقطع زمانی

رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان خانم سیما ثمر سال قبل به پیشواز از هشت مارچ ۲۰۱۰ در مصاحبه به خبر نگار بی بی سی اینگونه ابراز نظر می کند:

<http://www.bbc.co.uk/persian>

۱۰ مارچ ۲۰۱۰

۱. سیما سمر: بیشتر نهاد های دولتی، مانع تأمین حقوق زنان هستند.

سیما ثمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید اکثر نهاد های دولتی در این کشور، موانع جدی برای تأمین حقوق زنان ایجاد می کنند. امسال باز هم در پیشواز از صدمین سال روز هشتم مارچ طی یک مصاحبه به خبرنگار تلویزیون دولتی اظهار داشت که زنان در شرایط بدتر از آنچه که رسانه ها بیرون می دهند قرار دارند. و سرحد خشونت زیاد تر از آنچه که رقم داده می شود بالاتر رفته است این تبعیض جنسی است پس سوال در اینجا است

- چه کسی می تواند راه حل این گونه تبعیض ها و خشونت ها را در یابد؟
- آیا تنها ریشه در مذهب و فرهنگ مذهبی ما دارد؟
- راه برون رفت چی خواهد بود؟

وقتی اکثر نهاد های بلند رتبه دولتی مانعی برای تأمین حقوق زنان در کشور ایجاد می کند و آنهم در شرایطی که تمام نهاد های مدنی و حقوق بشر در افغانستان فعال هستند. و نیرو های نظامی تقریباً تمام کشور های پیشرفته و دموکرات جهان در مبارزه علیه طالبان و ترور به کشور ما یورش برده اند پس چرا هنوز ریشه های زن ستیزی و خشونت پایان نیافته است؟

پس زنان در قدم اول آگاه گردند و خود اراده کنند. زنان بدون اراده خود شان نمی توانند آزاد گردند. هر وعده ای که بدون اراده و آگاهی زنان داده شود بجایی نمی رسد. نباید منتظر کسانی باشند که آزادی را برای شان هدیه دهند بلکه آزادی شان را خود به دست آورند.

به امید آتروز

ما چهل سال از این پیش جدل ها کردیم
که مساوی بشود حق زنان با مردان^۱

بگسلاندند ز هم رشته این فکر جوان
محو شد قوه افکار و دل و چشم و زبان
چه جوابی است که داریم به پیش وجدان
مادری! نیک نما تربیه فرزندان
نصب و منصب و دارایی و نام پدران
رشته کار بگیرد ز دست پدران^۲

لیک دست قوی دشمن و جمعی خائن
ارتجاع آمد و ظلمت سر تنویر انداخت
عرق شرم به مستقبل آن باید ریخت
یک وصیت به تو دارم نبری از یادش
جز فداکاری و دانش، نکند تکیه به هیچ
مادران بهر خدا نوبت امروز شماست

۱- این سروده عالی، بخشی از غزلی از مرحوم مغفور جناب سردار محمد رحیم ضیایی متخلص به "شیون کابلی" است که از کتاب «زندگی شیون کابلی» تألیف ولی احمد نوری اخذ شده است. صفحه ۱۴۵

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ